

اکبر گنجی در این مصاحبه تلویعاً منافقین را دوستان خود معرفی می‌کند و حتی تصریح می‌کند، نتیجه اصلاح طلبی در ایران منجر به جدایی دین از سیاست می‌انجامد! این را می‌گویند یک دیدگاه ضد انقلابی ناب.

وی با اشاره به دیدگاه اکبر گنجی در این مصاحبه در مورد حجاب، اصل دین و دینداری گفت: این دیدگاه تازه‌ای نیست، بارها از سوی سروش، استاد گنجی این دیدگاهها اعلام شده است.

از آقای ترقی سؤال شد، آقای گنجی در این گفت و گو در پاسخ به این سؤال که «آیا برای منکرین دین و ملحدین آزادی وجود دارد» گفته است: روند اصلاحات در ایران مرزی نخواهد داشت، نظر شما چیست؟ وی گفت: البته این سؤال را باید از دوستان وی در روزنامه‌های زنجیره‌ای سؤال کنید. آنها باید بین تفکر خود با گنجی مرزبندی کنند. متأسفانه در این روزنامه‌ها اهانت به مقدسات و امام به کرات دیده شده است و برخی از آنها هم به دادگاه کشیده شده است. اگر مرز اصلاحات همین است که گنجی در مصاحبه با روزنامه آلمانی گفته است باید فاتحه اصلاحات را خواند!!

دیدگاههای اخیر گنجی در گفت و گو با روزنامه آلمانی و کنفرانس برلین را باید در راستای پروژه امامزادایی و مخالفت با انقلاب دانست که مدتهاست طراحی شده و حالا آنها حرشهای خودشان را از اذهان افراد خود فروخته‌ای چون او می‌زند.

### بوای مطالعه بیشتر

حمدی اکبری مقدم: وقتی تقدیم از چهره‌ها می‌افتد.<sup>۱</sup>

رضا سخن‌سنج: در کنفرانس رسوای برلین چه گذشت?<sup>۲</sup>

حبيب الله عسگرولادی: به امام(ره) و مقدسات نظام در کنفرانس برلین اهانت شد، چرا رسیدگی نمی‌شود؟!<sup>۳</sup>

در جمع بعضی ایرانیان و ضد انقلابیون فراری در برلین چه گذشت?<sup>۴</sup>

رضا سخن‌سنج: رسوایی در برلین، سکوت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران<sup>۵</sup>

گزارشی از یک بررسی مطبوعاتی: «کمیته بحران»، «کمیته اطلاعات»، «کنفرانس برلین» و دیدار در باع لواسانات، کودتاگران کیان‌اند?<sup>۶</sup>

۱. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۲.

۲. شد، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱۱.

۳. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۴.

۴. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۱.

۵. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۱۷، ص ۱۱.

۶. پیشین، ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۱۶.

جبار آذین؛ تلویزیون؛ بحران‌ساز یا قربانی بحران‌سازان؟<sup>۱</sup>  
 نعمت احمدی؛ زبان موتلفه با رئیس جمهور<sup>۲</sup>  
 عسگر اولادی؛ واکنش رئیس جمهوری، متدهای را فانع نمی‌کند<sup>۳</sup>

### کارگزاران سازندگی

مواضع ما تنها در قالب بیانیه جبهه دوم خرداد اعلام می‌شود،  
 سایر بیانیه‌ها مربوط به‌مانیست<sup>۴</sup>

به دنبال انتشار اطلاعیه‌ای در مورد کنفرانس برلین، اطلاعیه زیر از سوی کارگزاران منتشر شد: تحولات سیاسی ایران روز به‌روز پیچیده‌تر و پرشتاب‌تر می‌شود. به‌همین علت احزاب، گروهها و جمیعتها خود را موظف می‌دانند که به فراخور اوضاع و احوال درباره موقعیتها بیش‌آمده موضع‌گیری کنند.

حزب کارگزاران سازندگی ایران به‌منظور تقویت بنیانهای اصلاحات در ایران، در روزهای اخیر کوشیده است. مواضع خود را در قالب بیانیه‌های عمومی و فراغیر جبهه دوم خرداد، مطرح و اعلام نماید. بنابراین احیاناً چنانچه این روزها به‌نام دفاتر و واحدهای حزب، بیانیه و یا اطلاعیه‌ای منتشر شود، الزاماً موضع رسمی حزب کارگزاران تلقی نمی‌گردد. مردم و جامعه بزرگ ایران اسلامی متذکر این نکته هستند که مطالبی از این دست صرفاً مواضع همان امضاكنندگان است و به‌حزب کارگزاران سازندگی مربوط نمی‌شود.

از کنفرانس برلین بهره‌برداری سیاسی و جناحی کردند<sup>۵</sup> غلامحسین کرباسچی  
 برخی از کنفرانس برلین بهره‌برداری سیاسی و جناحی کردند. مجموع گزارش‌های رسیده از این کنفرانس حاکی از آن است که این نشست مطابق نظر برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان آن نبوده است چرا که عده‌ای از مخالفان جمهوری اسلامی با هدف بهم ریختن این کنفرانس و تأمین نیات خود در این کنفرانس شرکت کردند. به‌طور قطع اشتباهی در محاسبات برگزارکنندگان این کنفرانس وجود داشته است! آنان با این ابعاد و تبلیغات باید احتمال حضور مخالفان را پیش‌بینی می‌کردند.

کرباسچی با اشاره به مشکلات ایجادشده از سوی مخالفان در این کنفرانس گفت:

۱. شماره ۱۵/۱۲۷۹، ص. ۱.  
 ۲. پیام آزادی، ۱۳۷۹/۱/۲۱، ص. ۲.

۳. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۵، ص. ۳.

۴. بیان، ۱۳۷۹/۲/۱۰، ص. ۱.

۵. صبح امروز، ۱۳۷۹/۲/۳، ص. ۱.

برگزارکنندگان کنفرانس برلین توانستند مطابق برنامه تنظیم شده اجلاس را برگزار کنند. وی با بیان این که به طور قطع جو و فضای متنبیج شده از سوی مخالفان برای اعصاب و روان شرکت کنندگان این کنفرانس نیز اثر نامطلوبی داشته است، گفت: شاید با پیش‌بینی و محاسبه دقیق و درست برگزارکنندگان و شرکت کنندگان این واقعه پیش نمی‌آمد.

کرباسچی با بیان این که وقوع این گونه حوادث در اجلاس خارج از کشور برای مسؤولان ایرانی و غیر ایرانی معمول است، گفت: توهین و برخورد مخالفان جمهوری اسلامی در خارج از کشور نباید بهانه و ویله‌ای برای دامن زدن به بعنهای سیاسی شود. ما باید میان اصلی این واقعه یعنی کسانی را که دائمًا شعار آزادی سر می‌دهند، اما در این کنفرانس با حرکات زنده حتی اجازه سخن گفتن به مدعوین را ندادند، محکوم کنیم. در واقع هزینه و بحث اصلی باید متوجه ضد انقلابیونی شود که این برخورد را به وجود آورده‌اند. نه این که به جای برخورد با این افراد و شناساندن آنان به مردم این مسأله را به مسائل سیاسی بکشانیم. در واقع مسبیان اصلی فراموش و تیرانه شوند و فقط به مسائل و مشکلات داخلی دامن زده و از آن برای تسویه حسابها و گرفتاریهای جناحی استفاده شود.

به‌هرحال مدعوین ایرانی نیز با این پیش‌بینی که برنامه به نحو خوبی برگزار می‌شود و آنان در این فضا می‌توانند سخنان خود را ارائه دهند، در کنفرانس شرکت کرده‌اند. آنان داوطلبانه نامه نوشته بودند که ما را نیز دعوت کنید. وی با بیان این که برخورد جناحی با این قضیه به طور قطع به نفع کشور نیست، اظهار داشت: با دامن زدن به مسائل حاشیه‌ای کنفرانس برلین نباید از آن بهره‌برداری جناحی و سیاسی کرد. احیاناً عده‌ای که دائمًا در بی بهره‌برداری جناحی از هر مسائل‌ای هستند این کنفرانس را فرصت مناسبی برای بهره‌برداری سیاسی خود دیده‌اند. امکان دارد افرادی در فکر و تاکتیک خود دچار اشتباه شوند اما نحوه برخورد با آنان باید با تذکر باشد. نه بدین شکل.

**در حاشیه<sup>۱</sup>**  
 سید عطاء‌الله مهاجرانی  
 از جمله اموری که در چگونگی سلوک با مردم، به عنوان حکومت یا نهادهای وابسته به حکومت، بدان چنان که شایسته است با تدبیر و حکمت روپردازدهایم یا نمی‌شویم، بهره‌گیری از حوادث و هزینه کردن از دین و ایمان و اعتماد مردم است.  
 دو واقعه کف زدن جوانان در روز دوم خردادماه ۱۳۷۷ در مراسم دانشگاه و نمایش فیلم

رقص نیمه‌عربیان از سیما از لحاظ جامعه‌شناسی و روانشناختی اجتماعی و شناخت منی ما شایسته بسی دقت و عبرت است.

جوانان برای نشان دادن ابراز احساسات خود کف زدند و سوت کنیدند. روزنامه کیهان به بررسی واقعه و واکنشهای انجام شده پرداخت. مسائلهای که می‌توانستیم با تساهل از کنار آن بگذریم، تبدیل به یک مسأله ملی و سراسری شد.

کیهان ۵ خرداد ۱۳۷۷ آینه بسیاری از واکنشهای: «جلسات درس تمامی اساتید و مراجع تقلید صحیح امروز در اعتراض به حرکات اهانت‌آمیز اخیر علیه ارزشها دینی به طور یکبارچه تعطیل شد.»

«هزار تن از روحانیان و طلاب امروز با تعطیل کردن دروس حوزه علمیه قم با حمل پرچم‌های عزا و تصاویر امام خمینی و رهبر انقلاب در اعتراض به توهین به مقدسات اسلامی و شکستن حرمت ماه عزای سیدالشہداء طی روزهای اخیر دست به تظاهرات زدند.»

«راهبیمایان شعار «روز عزای سیدالساجدین، شکسته شد حرمت مسلمین» سر دادند. سپس در مقابل گلزار شهدای سوم خرداد تجمع کردند و یک‌بار دیگر با آرمانهای شهیدان تجدید میثاق کردند.

راهبیمایان که تعداد روحانیان و طلاب آن به چهل هزار نفر بالغ می‌شد و هزاران تن از مردم نیز به آنها اضافه شده بودند، به طرف حرم حضرت مصصومه(س) حرکت کردند. و از آنجه در روز دوم خرداد در تهران از سوی برخی از جوانان سر زد و موجب شکته شدن حرمت ماه محرم شد شدیداً ابراز نارضایتی کردند.»

در قطعنامه راهبیمایی آمده است: «ما این توهین آشکار به مقدسات مردم مسلمان و انقلابی ایران و هتک حرمت محرم و حریم اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام راشدیداً معکوم کرده و از مراجع عظام تقلید دامت برکاتهم درخواست می‌کنیم برخورد جدی را معمول فرمایند.»

به روایت روزنامه ابراز (۱۳۷۷/۳/۶): «یکی از گردانندگان راهبیمایی می‌گوید این حرکت کاملاً خودجوش بوده و از هیچ جناح و گروهی فرمان نگرفته است... علت راهبیمایی را شکته شدن حرمت ماه محرم می‌داند که جوانان مثل شامیها هلهله کردند.»

مطابق روایت روزنامه جمهوری اسلامی (۱۳۷۷/۳/۶): تجمع کنندگان شعارهای: «شکسته شد حرمت آل عبا، خون شد دل فاطمه خیرالائمه» و «حسین جان تیر غم بر دل نشسته، شنیدم حرمت ماهت شکسته». «مجلس انقلابی استیضاح، استیضاح!». «وزیر ارشاد ما تأسف تألف!» سر دادند.

روزنامه فدوس (۱۳۷۷/۳/۹) در گزارش راهبیمایی اصفهان آورده است: وقتی جمعیت در میدان امام حسین(ع) جمع می‌شوند، حجت‌الاسلام میرمرشدی می‌گوید:

«ما نمی‌شنیم تا مجالس دینی ما آلوده به شعارهای ضد ارزشی و ضد دینی و سوت و هلهله و کف شود، ما حامی دین اسلامیم و نمی‌توانیم تحمل کنیم عده‌ای با سوت و کف و هلهله و خون شهیدان را مورد استهزا قرار دهند.»

البته در همان طوفان تبلیغاتی که برپا شد، سخنان روشن و متنین و استواری نیز در نقد بهره‌گیریهای سیاسی و جناحی از ماه محرم و امام حسین(ع) و ارزشها به میان آمد. آیت‌الله نور‌مقدمی نماینده محترم رهبری و امام جمعه گرامی گرگان در همایش بزرگ فرماندهان پایگاه بسیج گرگان گفتند: «من جند سؤال از روحانیون جوان دارم. اولاً آیا کف زدن و بدین وسیله اظهار شادی کردن بدون هیچ انگیزه‌ای دیگر حرام است؟ ثانیاً آیا کسی با ارتکاب یک خلاف، منافق می‌شود و ما شرعاً معاز هستیم او را منافق بنامیم؟

ثانیاً آیا این شان روحانیت آگاه است که این گونه تبلیغ کند؟»<sup>۱</sup>

درست دو سال بعد، تقریباً در همان ایام و لیالی محرم فیلم رقص زن نیمه عربیان و شعارهای ضد انقلاب از سیماهی جمهوری اسلامی ایران پخش می‌شود و وانمود می‌شود که این عمل، مشروع و موجه است. این شیوه که می‌توان چنان تصویر یا فیلمهایی را از سیماهی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک امر مشروع پخش کرد و از سوی دیگر کف زدن جوانان را گونه‌ای تعبیر نمود، نشانه روشنی است که دین و مبانی دینی و ارزش‌های انقلابی و اخلاقی، بر حسب جهت‌گیری سیاسی و جناحی مورد استفاده قرار می‌گیرد. صورت ظاهر بیان درد دین و دغدغه دینی است، که درد و دغدغه‌ای ستودنی است، به تعبیر سنایی:

درد دین، خود بالعجب دردی است کان روی چو شمع

چون شوی بیمار بهتر گردی از گردن زدن<sup>۲</sup>

به گمانم این بی‌قراری که در جامعه خود شاهد آنیم بحران‌سازی ناشی از کف زدن جوانان در دوم خرداد ۱۳۷۷، نشریه موج در زمانی دیگر، کنفرانس برلین در مقطع اخیر و... نشانه روشن بهره‌گیری سیاسی و جناحی از دین و ارزشها و معنویت است. محمد عبده تعبیری عبرت‌آموز درباره سیاست دارد که به عنوان میراث ماندگار بر جای مانده است. رشید رضا، سخن محمد عبده را این گونه نقل کرده است:

۱. سلام، ۱۳۷۷/۳/۹.

۲. دکتر محمد رضا شفیعی کدکنی، تازبانه‌های سلوک (تهران، نشر آگه، ۱۳۷۲)، ص ۱۷۸-۱۸۰.

«سیاست، اندیشه، دانش و دین را نابود می‌کند. بناء می‌برم به خداوند از لفظ سیاست و از معنی سیاست، از تک تک حروف کلمه سیاست! و از هر پنداری که در باب سیاست به ذهنم خطور کند و از هر سرزینی که بر آن سرزین از بساط سخن گفته شود و از هر فردی که از سیاست بگوید یا بنویسد!»<sup>۱</sup> طبیعت انسانی هم همین گونه است، هر چه از حد خود فراتر برود تبدیل به ضد خود می‌شود و اثر معکوس دارد.»

بزرگنمایی و کوچکنمایی حوادت مناسب با منافع جناحی و سیاسی، نخستین قربانی اش اعتماد عمومی است، اساس و پشتونه حکومت هم اعتماد عمومی است.

بررسی و ارزیابی کنیم: حادثه کف زدن جوانان در سال ۱۳۷۷، حادثه تشریه موج در سال ۱۳۷۸، حادثه کنفرانس برلین در سال ۱۳۷۹، لابد حادثه دیگری هم تا اواخر سال که به انتخابات ریاست جمهوری نزدیک می‌شویم، طراحی می‌شود! غیر از دست رفتن فرصتها و فاصله بیشتر با جهان، نه کشورهای پیشرفت، و نه حتی مالزی و کره، بلکه همین کشورهای منطقه خودمان، و در یک کلام «عقب ماندگی»، چه حاصلی خواهیم داشت؟

گاه از دروازه‌ها و بزرگراهها هم رد نمی‌شویم و گاه می‌خواهیم شتر را از سوراخ سوزن عبور دهیم و شکفت این که چنین اتفاقی می‌افتد، تبدیل کردن کف زدن جوانان به مسئله ملی و نمایش رقص نیمه‌عربان به عنوان یک مسئله مشروع یا لااقل امری که مغایرت شرعی ندارد، از همین زمرة است.

یک بار دیگر در هزینه کردن از دین و نهاد روحانیت و مرجعیت اندیشه کنیم، به دور از فضاهای ملتهب و غوغایی، در خلوت مراجع و شخصیت‌های ممتاز حوزه‌ی با آنان سخن بگوییم، تا بینیم آیا چنین شیوه‌هایی پسندیده و باعث ترویج دین و آئین است یا نیست؟ در این سالهایی که گذشت، ایمان مذهبی و گرایش دینی را به عنوان نمونه در قم مقدس ارزیابی کنیم، با جوانان قم حرف بزنیم. اگر شیوه‌هایی که تابه‌حال داشته‌ایم، مؤثر و پسندیده است، ادامه دهیم، اگر نیست، به تقدیر فتار خود بپردازیم.

### جامعة اسلامی مهندسین

[آقای] خاتمی صریح‌اگفتند منظورشان از اصلاحات چیست<sup>۲</sup>

حسن غفوری‌فرد

حسن غفوری‌فرد، دبیر کل جامعه اسلامی مهندسان، خاتمی را مسؤول امنیت کشور دانسته و

۱. محمد رشید رضا، تاریخ الاسناد الامام، (قاهره، مطبوعه المنار، ۱۳۵۰ هـ، ق، ج ۱، ص ۸۹۱).

۲. هم‌میهن، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲.

گفت: ایشان رئیس شورای امنیت ملی هستند و وزارت اطلاعات زیر نظر ایشان است لذا مسئله امنیت و وحدت به ایشان برمی‌گردد.

آقای خاتمی در صحبت‌های خود مطالب خوبی را گفتند. در موردی اشاره کردند به‌این‌که در برلین هم حرفهای خوبی زده شد و هم حرفهای بد. اگر رئیس جمهوری منظورشان را از حرفهای خوب و بد تبیین کرده و صریحت‌تر سخن بگویند، خیلی از مسائل شفاف‌تر می‌شود. در مورد اصلاحات نیز آقای خاتمی سخنانی بر زبان رانده‌اند. ولی اگر ایشان هم مثل مقام معظم رهبری مرز بین اصلاحات اسلامی و اصلاحات آمریکایی را متخصص می‌کردد و صریحاً می‌گفتند منظورشان از اصلاحات چیست؟ هم تکلیف مردم روشن می‌شود و هم بهتر است.

### با مهاشات و نان به‌نرخ روزخوری نمی‌توان در برابر جریان برانداز ایستاد<sup>۱</sup> مرتضی نبوی

با مهاشات و نان به‌نرخ روزخوری نمی‌توان در مقابل جریان‌های برانداز ایستاد. مهندس سید مرتضی نبوی ضمن بیان مطلب فوق و تفییح گفت و گوی و قیحانه اکبر گنجی با روزنامه آلمانی تاگس اشپیگل، تردید مدعیان خط امام از محکوم کردن این اقدام ضد انقلابی را نکوهش کرد و گفت: افرادی که سابقه خوبی در دفاع از خط امام دارند باید مراقب باشند برای جلب آرای کسانی که همواره پا روی ارزشها می‌گذارند، به راه عمر سعد سقوط نکنند.

مدعیان دفاع از ارزش‌های اسلامی و اندیشه‌های امام راحل (ره) باید در جاهایی مرزبندی خود را با مخالفان راه و خط امام عزیز شفاف سازند تا اصولاً مرزبندی جریان‌های ارزشی با عناصر غیر ارزشی امکان‌پذیر و قابل شناسایی باشد.

آنها بی که با یکی به میخ زدن و یکی به نعل کوبیدن به فعالیت سیاسی مشغولند، سرانجام طعمه یزیدیان خواهند شد. زیرا جناحچه کسی خواستار اصلاحات اسلامی است، ابتدا باید نقاط افتراق خود را با کسانی که در صدد اصلاحات آمریکایی هستند، متخصص سازد.

وی همچنین با اعلام این مطلب «عمر سعد هم شاید ابتدا در بی جنگ با امام حسین (ع) نبود، ولی وقتی موقعیت خود را در خطر دید، تن به جنگ با امام حسین (ع) داد» گفت: آنها بی که می‌خواهند با نان به‌نرخ روزخوردن صرفاً زت ارزشی بودن را به خود بگیرند، نخواهند توانست مخالفت و تنفر خود را نسبت به کنفرانس برلین که با هدف براندازی نظام اسلامی برگزار شده بود، ابراز دارند.

از مدت‌ها بیش عده‌ای بهبهانه اصلاح طلبی، جامعه مدنی و دمکراسی به فعالیت حزبی و مطبوعاتی علیه اسلام، امام، انقلاب، ائمه اطهار و فرهنگ شهادت طلبی برداختند و امروز نیز همچنان مشغول لجن مال کردن مدافعان نظام و ارزشها هستند که باید آنها را اصلاح طلبان آمریکایی نامید.

وی شناسایی عوامل داخلی برگزارکننده کنفرانس ذلت‌بار برلین را ضروری دانست و درباره شرکت‌کنندگان ایرانی کنفرانس مذکور اظهار داشت: برخی نخبگان ورشکسته فکری که همواره مورد طمع دشمنان خارجی بودند و هیچ علاقه‌ای به استقلال کشور نداشته‌اند به همراه عده‌ای که به رغم سوابق خود، به تجدید نظر اصولی دست زدند و نیز بعضی از اعضای سابق باند آدمکش مهدی هاشمی و اخراجیهای نهادهای انقلابی، با ادعای اصلاح طلبی در کنفرانس مذبور شرکت کردند تا در مرحله‌ای جدید، اهداف ضد انقلابی را تحقق بخشنند. چنانچه اظهارات و سخنان آنها در آن نشست مؤید همین واقعیت است.

وی انتقاد برخی افراد و مجموعه‌ها علیه کیهان درباره افشای افتضاح کاری عناصر مدعی اصلاح طلبی در خارج از کشور را مورد توجه قرار داد و تصریح کرد: این اظهار نظر که متلاً انتشار دیدگاه فلان آدم تجدید نظر طلب، «ترویج منکر» است، نوعی سر زیر برف کردن گویندگان آن می‌باشد، زیرا تجربه سالهای اخیر نشان داد که اگر کیهان هم دست به این افشاگری نمی‌زد، آنها خودشان در مطبوعات خود آن را به نحوی تبلیغی و القایی و به نقل از منابع و رسانه‌های بیگانه بازتاب می‌دادند، وانگهی اگر این کار بد است، پس به چه علت خود آقایان درباره سخنان آقای حسینیان که در مجموعه‌های غیر علنی ابراز شده بود، تا مدت‌ها دست به جوّسازی زدند؟ آیا چون این حرفاها توسط کسانی که در اردوگاه سیاسی شما هستند، زده شده، افشاishi مذموم و محکوم است؟

برخوردهای دوگانه با مسائل سیاسی و نیز معائالت در قبال هنگامی بهارزشها و ساحت عزیز امام راحل (ره) از دید جامعه مخفی نمی‌ماند و دنیا ارزش این همه ودادگی را ندارد.

**بخش فیلم، نفرت مردم علیه شرکت کنندگان در کنفرانس را برانگیخت<sup>۱</sup>**

محمد رضا باهنر

بخش این فیلم اگرچه جنبه اطلاع‌رسانی داشت اما نفرت مردم را علیه شرکت کنندگان در این کنفرانس برانگیخت و از طرفی دیگر ما را شرمنده ساخت.

وی با بیان این که «قوه قضائیه باید با این افراد برخورد کد»، تصریح کرد: باید از صدا و

سیما تشکر کرد که بخشی از این کنفرانس را پخش کرد، اما از آنها می‌خواهیم که با حذف مسائل خلاف اخلاقی، ولی دقیق و کامل‌تر، این فیلم را در معرض دید همگان فرار دهند تا مقامهای مسؤول ملکتی و فضایی و مردم در جریان بیشتر آنچه گذشته است، قرار گیرند.

### حزب همبستگی ایران اسلامی

صدا و سیما اشاعه فحشا کرده است<sup>۱</sup>

حزب همبستگی ایران اسلامی پخش فیلم کنفرانس برلین را که قسمی از آن مستهجن بوده از سوی صدا و سیما یک نوع اشاعه فحشا به حساب آورده و این کار صدا و سیما را ناپسند می‌نمارد که حاصلی جز رواج فرهنگ غیر اسلامی ندارد.

حزب همبستگی ایران اسلامی به عنوان یک حزب دوم خردادی ضمن دفاع توأم از دینداری و آزادی، عدم جدایی دین از سیاست و مأکید بر لزوم تداوم اصلاحات در چارچوب اصول اسلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، حضور شخصی چند نفر شهروند ایرانی در کنفرانس برلین را که هیچ‌گونه ارتباط و تعایندگی‌ای از جبهه دوم خرداد نداشته‌اند و اظهارات غیر مسؤولانه و نادرست و خفت‌بار آنان را در این کنفرانس مشکوک و رخدادهای جنبی آن را محکوم می‌نماید و از همه دلوزان و علاقه‌مندان به نظام جمهوری اسلامی ایران و وفاداران به قانون اساسی انتظار دارد از هر گونه اقدام و حرکت ضد ارزش‌های اسلامی و غیر قانونی، خشنوت طلبی، تبری جویند و اجرای دقیق قانون اساسی را مبنای کار و فعالیت خود فرار دهند و رئیس جمهوری و دولت محترم را در پیشبرد و تداوم برنامه‌های اصلاحی‌شان که در چارچوب قانون اساسی است، یاری دهند.

تجییه لاریجانی در زمینه پخش صحنه‌های ضد ارزشی و آزادی ماهواره قیاس مع الفارق است<sup>۲</sup>

### محمد رضا راه‌جمی

«بهر است شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین با صدور بیانیه‌ای مشترک حقایق مربوط به این کنفرانس و مطالب عنوان شده را اعلام کنند تا ضمن روشن شدن افکار عمومی، راه برای هر گونه تحریف و قلب واقعیت نیز بسته شود.»

محمد رضا راه‌جمی نماینده مردم سبزوار و دبیر کل حزب همبستگی در گفت‌وگو با خبرنگار ما و در پاسخ به اظهارات برخی از شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین مبنی بر

تعریف واقعیتها و سخنان مطرح شده از سوی آنان در این کنفرانس از سوی صدا و سیما با بیان این مطلب افزود: «صدا و سیما مدعی شده که می‌خواهد شفاف برخورد و اطلاع‌رسانی کند و بر همین اساس بهتر است فیلم این کنفرانس را به طور کامل پخش کند و شرکت‌کنندگان در کنفرانس نیز باید از اعلام آمادگی صدا و سیما برای پخش کامل فیلم نهایت استفاده را کنند تا تناقض‌هایی که در زمینه کنفرانس برلین به وجود آمده بـرطرف و حقایق برای مردم روشن شود.» وی توجيهات علی لاریجانی را در زمینه پخش صحنه‌های ضد ارزشی فیلم کنفرانس و ارتباط دادن آن به آزادی آتشهای ماهواره که از سوی برخی از اصلاح طلبان عنوان شده است را «قياس مع الفارق» توصیف کرد و افزود: «در حال حاضر بحث ماهواره با تلویزیون رسمی کشور فرق دارد و نمی‌توان مقایسه کرد. کانی که از آزادی ماهواره‌ها دفاع می‌کنند روی مسائل علمی و خبری آن تأکید می‌کنند و قابل توجیه نیست که پخش صحنه‌های ضد ارزشی را با تصاویر ماهواره سنجید چرا که صدا و سیما رسالت خاص خود را دارد و نمی‌توان بهبهانه پخش تصاویر ضد ارزشی از ماهواره دست به عمل مشابه بزند. چنین کاری اشاعه فحشا محسوب می‌شود.»

اگر منظور صدا و سیما اطلاع‌رسانی دقیق و شفاف باشد، بس باید به این کنفرانس پوشش خبری مطلوب می‌داد و آن را در برنامه‌های خود به صورت کامل پخش می‌کرد.»

وی با تأکید بر این که تمام مسؤولان و گروههای سیاسی رویدادهای ضد ارزشی و برخی مطالب عنوان شده در کنفرانس را محکوم کرده‌اند، به اطلاعیه اخیر جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و اعلام تعطیلی حوزه‌های علمیه سراسر کشور اشاره کرد و یادآور شد: «در حالی که تمام نیروها و مسؤولان و احزاب رویدادهای کنفرانس را محکوم کرده‌اند، دامن زدن به این مسئله به مصلحت کشور نیست و چنین کاری باعث می‌شود مجدداً جزو متلاطمی در کشور به وجود آید. کشور نیازمند آرامش و سعه صدر بیشتری است و چنین مسائلی باعث تشدید اختلافات می‌شود و بی تردید از تشدید اختلافات فقط دشمنان نظام و انقلاب استفاده می‌کنند. به مصلحت همه نیروهای درون نظام است که کشور آرامش داشته باشد.»

راه‌چمنی در پاسخ به پرسشی در مورد اطلاعیه حزب همبستگی که از صدا و سیما قرانت شد، گفت: «بیانیه حزب همبستگی فقط معطوف به ماجرای برلین نبود و صدا و سیما آن را به طور کامل عنوان نکرد. در این بیانیه مسائل مختلف از جمله بیانیه سپاه پاسداران نیز مورد نقد قرار گرفته بود ولی فقط پخش مربوط به کنفرانس برلین قرانت شد.»

## حزب اسلامی کار

حرکت صدا و سیما جزوی از پروژه بحران‌سازی است<sup>۱</sup>

حزب اسلامی کار در مورد پخش برنامه موہن از سیماهی جمهوری اسلامی ایران بیانیه‌ای صادر کرد، در بخشی از این بیانیه آمده است: سه شنبه شب همه متدينین و آحاد مردم ایران در شبکه اول سیما دیدند چگونه مقدسات به قربانگاه کشانده شد تا شاید بر آلام بسی شمار شکستهای جناحی مرهمی بنهد. کسانی که در ۲۹ بهمن ۱۳۷۸ شجاعت و عظمت ملت را در عرصه انتخابات بر نشانیدند، به دنبال بحران‌سازی‌های بیو در بیو نقشه‌ای دیگر طراحی کردند تا شاید این بار قدرت و شوکت از دست رفته را به دست آورند و افکار عمومی را به سمت تنفس و تنفس سوق دهند. مشقی که خشونت طلبان موقت خود را در تکرار آن می‌بینند. حزب اسلامی کار با هشدار نسبت به تأخیر چنین اقدام موہنی در تشديد تنفس در فضای سیاسی کنور نکاتی چند را یادآور می‌شود:

۱. تحریک احساسات مذهبی و انقلابی مردم با استفاده از تزریق قطره‌چکانی اطلاعات گزینشی و فیلتردار. حربه‌ای است که دیگر نزد همگان شناخته شده و ناکارآمدی آن به اثبات رسیده است. پخش تصاویری گزینشی و دور از شان ملت بزرگوار ایران و بهره‌برداری از آن در جهت مقاصد جناحی، با فلسفه وجودی رسانه ملی صدا و سیما در تضادی آشکار است و مسؤولین صدا و سیما باید در این زمینه پاسخگو باشند.

۲. حزب اسلامی کار بر پایه تحلیلی که از فضای سیاسی کنور دارد، حرکت سه شنبه شب صدا و سیما را جزوی از پروژه بحران‌سازی عمومی با هدف مخالفت با اصل نظام جمهوری اسلامی ارزیابی می‌کند. همان‌گونه که پیش از این نیز در بیانیه‌های جداگانه متذکر شده‌ایم، کمیته بحران با تمام ظرفیت آغاز به کار نموده و در صدد است با یک حرکت هماهنگ در حوزه‌های ایدنولوژیک، عملیاتی، اقتصادی و رسانه‌ای اهداف اعلام نشده خود را دنبال نماید. حوزه ایدنولوژیک همزمان در دو چهره وارد فعالیت شده است. از یکسو با بهره‌گیری از چهره‌های به ظاهر مذهبی، دمکراتی، بعد جمهوریت نظام را وارد هجمة فکری قرار می‌دهد و همزمان در پوششی دیگر با توری پردازان روشنفکر نما، اسلامیت نظام را مورد هدف قرار داده‌اند.

ما هیچ بعد نمی‌دانیم مخالفین جمهوریت و مخالفین اسلامیت، که هر دو در واقع با اصل نظام جمهوری اسلامی در تعارضند، علی‌رغم تصور خود، آتشخور مشترک نداشته باشند و از یک اتاق فرمان واحد کنترل نشوند.

۱. همنهای، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۳.

در این میان دیده می شود که حوزه رسانه‌ای کمیته بحران نیز در هر فاز از پروژه وارد عمل می شود و عناصر نفوذی این حوزه در سازمان صدا و سیما، زمانی با پخش مکرر سخنرانیهای در نفی دمکراسی و ترویج خشونت غیر قانونی و زمانی دیگر با پخش تصاویری گزینشی، نظام اسلامی را به تمثیر می گیرد.

۳. اقدام صدا و سیما در پخش تصاویر خلاف شؤونات اسلامی در ماهی که به سالار شهیدان حضرت اباعبدالله العین (ع) منسوب است، قابل پیگرد قانونی است.

۴. نکته دیگر این است که شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین نه تنها نماینده نظام جمهوری اسلامی نبوده‌اند، بلکه حتی نماینده همه طیفه‌ای فکری دوم خرداد نیز به شمار نمی‌روند. با این حال این افراد بهتر است به‌این پرسش مردم پاسخ دهند که جراحت از مشاهده آن که محیط سخنرانی نه تنها محیط علمی و آکادمیک نیست، بلکه به‌یک میتینگ سیاسی از مبتذل‌ترین نوع تبدیل شده است، باز به حضور خود در جلسه ادامه داده و سخنانی راندند که دشمنان مردم و نظام از آنها بهره‌گیری تبلیغاتی نمایند؟

۵. ما اعتقاد داریم، تنها کسی که می‌تواند به عنوان نماد اصلاحات دینی کانون توجه قرار گیرد، شخص رئیس جمهوری جناب آقای خاتمی است و احرار برخی معافل داخلی و خارجی در معرفی افراد دیگر به عنوان نمودن اصلاحات تلاش مذبوحانه برای مخالفت با روند اصلاح طلبی است.

**برخی نیروهای سیاسی حق نداشتند به نام دوم خرداد در کنفرانس برلین شرکت کنند<sup>۱</sup>**  
ابوالقاسم سرحدی‌زاده دبیر کل حزب اسلامی کار با ابهام‌آمیز خواندن حضور برخی از نیروهای سیاسی در کنفرانس برلین گفت: ما به عنوان یک جریان طرفدار خاتمی و عضو جبهه دوم خرداد این حضور و آن برخوردها را محاکوم می‌کنیم.

این افراد حق نداشتند به نام جبهه دوم خرداد در آن کنفرانس حضور پیدا کرده و با بیان برخی سخنان، با عناصری گرم بگیرند که دشمن انقلاب بودند و سازش با جمهوری اسلامی ندارند.

آن جماعت خد انقلابی هم بداند که جبهه دوم خرداد و طرفداران آقای خاتمی هرگز روی خوشی به آنها نشان نداده و حتی به‌این جریان لبخند نمی‌زنند. آنها اگر فکر می‌کنند که از ترتیب دادن چنین کنفرانس‌هایی بهره‌ای می‌برند باید گفت به بیراهم می‌روند.

بین انقلاب و ضد انقلاب هیچ‌گونه سازش و آتشی وجود نخواهد داشت. جبهه دوم خرداد

متعهد به آرمانهای انقلاب و ارزش‌های اسلام و حزب الله است و ضد انقلاب اگر جز این پسندار در خیال خام به سر می‌برد.

وی با اشاره به بیانیه سپاه پاسداران و نگرانی‌های این نهاد پیرامون اوضاع کثور اظهار داشت: ما به عنوان یکی از عناصر جبهه دوم خرداد اعلام می‌کنیم برادران سپاهی هر نگرانی که داشته باشند، در بی رفع آن خواهیم بود. اگر برادران سپاهی امر به این قرار داده‌اند که ما را از بین بینند، ما با طیب خاطر آن را خواهیم پذیرفت.

ما به صداقت و اخلاص و عشق کامل برادران سپاه به انقلاب، اسلام و نظام اعتقاد کامل داریم و همه تلاش خویش را بر آن خواهیم نهاد که همگان با این نیرو در ترویج آرمانهای انقلاب بکوشیم. اگر خدای ناخواته به گمان سپاه مقدس این تلاشها خطای با بسی نمر است، هرگز به آن ادامه نخواهیم داد.

سپاه یکی از عزیزترین نهادهای انقلاب است و نگرانی آنها به هیچ وجه قابل تحمل نیست و امیدواریم آنها دست برادری ما را به گرمی بفشارند و از هرگونه راهنمایی دریغ نکنند.

### دفتر تحکیم وحدت

از مقام معظم رهبری می‌خواهیم قاطعانه با صدا و سیما بخورد کنند<sup>۱</sup>

سیما فاتح عضو دفتر تحکیم وحدت در گفت‌وگو با ایسا گفت: صدا و سیما برای رسیدن به اهداف جناحی در ایام سوگواری ماه محرم تصاویر آنچنانی را پخش کرد.

صدا و سیما و کیهان بر اساس یک استراتژی مشخص و یکسان عمل می‌کنند. چنانچه کیهان برای نخستین بار آتش حمله به کنفرانس برلین را پا کرد و سیما نیز با پخش آن فیلم مونتاژ شده به آن دامن زد. مقام معظم رهبری با آنکه از جزئیات اتفاقات کنفرانس برلین اطلاع کامل داشتند اما کوچکترین اشاره‌ای در نیاز جمعه گذشته به این مطلب نکردند. اما تلویزیون در پخش گزارش ویژه خود از حمله تدبید مقام معظم رهبری به کنفرانس برلین خبر داد که این یک امر خلاف واقع است. از صدا و سیما باید به مخاطر پخش این تصاویر شکایت شود و سیما باید تمام صحبت‌های میهمانان کنفرانس را به طور کامل پخش کند. این رسانه مدعی است این کنفرانس خیانت بوده است. در حالی که من به شما قول می‌دهم در صحبت‌های آقایان جلایی بور، گنجی، سعابی و دیگر دولتان کمترین تعریضی به نظم نشده است. لذا آقای خاتمی به عنوان رئیس دولت مکلف است از صدا و سیما بخواهد تمام فیلم را پخش کند، اگر نه؛ علی لاریجانی متهم است و باید در یک دادگاه صالحه به اتهامات خود باسخ دهد. روح

کلی که اصلاح طلبان بر این کنفرانس حاکم کرده بودند، با آن گزیده موهنه که از تلویزیون ایران با آن هنجارشکنی بی سابقه بخش شد، در تضاد و مغایرت مطلق است. اقدام علی لاریجانی در خصوص بخش این فیلم در امتداد هدف آن خانم و آن شخصی است که وقیحانه در جمع عربان شده بود. ما از مقام معظم رهبری می خواهیم، دیگر این بار قاطعانه با صدا و سیما برخورد کند.

وی در مورد حضور علی افشاری دیگر عضو دفتر تعکیم وحدت در این کنفرانس گفت: از آقای افشاری دعوت شخصی به عمل آمده بود و در ابتدای سخنان ایشان نیز جلسه بهم خورد.

### اعتراض دفتر تعکیم وحدت به بازداشت علی افشاری<sup>۱</sup>

دفتر تعکیم وحدت در اعتراض به بازداشت موقت علی افشاری، عضو شورای مرکزی این دفتر، بیانیه‌ای صادر کرد. در این بیانیه آمده است: در بی هیاهوها و بحثهای هفته گذشته پرامون کنفرانس برلین و احضار مدعوین و سخنرانان کنفرانس ذکر شده، شنبه ۲ دادگاه انقلاب اسلامی روز یکشنبه یازدهم اردیبهشت و در حالی که توصیه مژولین عالیرتبه نظام جمهوری اسلامی به دلسوزان نظام جمهوری اسلامی حفظ آرامش و برهیز از ایجاد شرایط بحران‌زا بود، پس از بازجویی از برادر علی افشاری حکم به بازداشت موقت وی داد. جای تعجب است، چگونه فردی که در بی اعتراض گروههای برانداز، حتی امکان سخنرانی وی در این کنفرانس فراهم نگردیده است، با سنگین ترین قرار ممکن در مراحل بازجویی بازداشت می‌شود. دفتر تعکیم وحدت این اقدام را به منزله مقابله با جنبش دانشجویی، یکی از سنگرهای مستحکم اصلاحات ارزیابی نموده، خواستار لغو قرار بازداشت موقت عضو محترم شورای مرکزی دفتر تعکیم وحدت می‌باشد.

### برای مطالعه پیشتو

واکنش دفتر تعکیم وحدت نسبت به صدا و سیما و کنفرانس برلین<sup>۲</sup>

مصطفی با نیما فاتح و رضا حاجتی

رضا حاجتی: دفتر تعکیم وحدت در کنفرانس برلین نماینده‌ای نداشت.<sup>۳</sup>

اگر به جای افشاری بودم به کنفرانس برلین نمی‌رفتم.<sup>۴</sup>

۱. بیان، ۱۲/۲/۱۳۷۹، ص ۶.

۲. مشارکت، ۲/۲/۱۳۷۹، ص ۶.

۳. بیان، ۱۲/۲/۱۳۷۹، ص ۲.

۴. شهد، ۱۷/۲/۱۳۷۹، ص ۶.

دفتر تحکیم وحدت عصباتی است.<sup>۱</sup>

بیانیه انجمنهای اسلامی دانشجویان دانشگاههای تهران  
افشاری در برلین سخنرانی نکرده است.<sup>۲</sup>

دفتر تحکیم وحدت از خود سلب مسؤولیت کرد.<sup>۳</sup>

علی افشاری: هدف تقویت ارتباط گروههای غیر دولتی ایران و آلمان بود.<sup>۴</sup>  
تشکلهای دانشجویی

از سوی جامعه اسلامی دانشجویان دانشگاه اصفهان: تجمع دانشجویی-مردمی در اعتراض  
به کنفرانس برلین در اصفهان برگزار می شود.<sup>۵</sup>

ادامه اعتراض گسترده تشکلهای دانشجویی به کنفرانس ذلتبار برلین<sup>۶</sup>  
پهران آفرینشی یک تشكل دانشجویی<sup>۷</sup>

بیانیه های تشکلهای دانشجویی در یک نگاه<sup>۸</sup>

انجمن اسلامی دانشجویان دانشکدة کشاورزی: اگر گنجی و یوسفی اشکوری ضد انقلابند،  
چرا از سوی ضد انقلاب مورد اهانت و مخالفت قرار گرفتند؟<sup>۹</sup>

بیانیه چندین تشكل دانشجویی در مورد کنفرانس برلین<sup>۱۰</sup>  
دانشجویان: پخش این کنفرانس ادامه برنامه «هویت» و «جراغ» است.<sup>۱۱</sup>

قاضیزاده هاشمی، مسؤول دفتر سیاسی جامعه اسلامی دانشجویان  
شرکت کنندگان کنفرانس خفتبار برلین حلقة واسط نیروهای برانداز و اصلاح طلبان هستند<sup>۱۲</sup>  
انجمن اسلامی دانشجویان دانشگاه بندر چمران اهواز: هنوز عضو دفتر تحکیم در برلین  
افتخارات چنین دانشجویی را الگدمال کرد<sup>۱۳</sup>

تجمع اعتراض آمیز دانشجویان

قوه قضائیه با اهانت کنندگان به امام برخورد کند<sup>۱۴</sup>

تجمع اعتراض آمیز جمعی از دانشجویان مقابل دانشگاه تهران<sup>۱۵</sup>

انصار حزب الله

انصار حزب الله دزفول: امنیت شما از صدقه سر انقلاب و امام انقلاب است<sup>۱۶</sup>

۱. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۲.

۲. همشهری، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۲؛ پیاز، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۲.

۳. همینه، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱.

۴. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲.

۵. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲.

۶. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۶.

۷. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۲.

۸. فتح، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

۹. گزارش روز، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۸.

۱۰. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۴، ص ۱۵.

۱۱. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۲.

۱۲. کیهان، ۱۳۷۹/۲/۷، ص ۱۴.

۱۳. جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۲/۲۱، ص ۲.

۱۴. جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۹/۲/۲۱، ص ۲.

حزب الله کرمانشاه؛ کنفرانس برلین، پخشی از طرح استراتژیک آمریکا در بهاستحاله کشیدن نظام است<sup>۱</sup>

دعوای اجلاس مستهجن برلین با حضور مختلط اوپاش خد انقلاب و اصلاح طلبان بر سر چه بود؟<sup>۲</sup>

فاطمه رجبی؛ تهران، برلین نمی شود<sup>۳</sup>

دانستن حق خودمان است!<sup>۴</sup>

اجراکنندگان فتوای امام(ره) آماده باشند<sup>۵</sup>

از سوی چهره ها و احزاب سیاسی مطرح شد  
دیدگاه های متفاوت درباره کنفرانس برلین و اقدام سیما<sup>۶</sup>

پخش صحنه هایی از کنفرانس برلین از سیمای جمهوری اسلامی ایران ابعاد تازه ای به شرکت تعدادی از روزنامه نگاران ایرانی در کنفرانس «ایران بعد از انتخابات» که از سوی بنیاد های نریش بُل واپسی به حزب سیز های آلمان برگزار شده بود، بخشد. به دنبال این اقدام، چهره های سیاسی، احزاب، تشکلها و برخی از شرکت کنندگان در این کنفرانس دیدگاه های متفاوتی را در این خصوص ارائه کردند.

دیگر کل جامعه اسلامی بروهشگران گفت: اگرچه بنا ندارم با یک بدبینی مغضوب با خوب شنیدن افراطی به پخش فیلم کنفرانس برلین از سیمای جمهوری اسلامی نگاه کنم، اما این اقدام خلاف روش و رویه معمول این رسانه در انعکاس این نوع مسائل بود.

دکتر محمد صادق محفوظی، رئیس دایرۀ المعارف اسلامی افزود: اگر قرار است این گونه مطالب منعکس شود، باید جهت دار، مدون و همراه با اندیشه گروههای مختلف در کشور باشد.

ارائه افکار متفاوت همراه با برنامه های مدون و نظرات گروههای مختلف، حیات و نشاط فرهنگی به جامعه می دهد.

فیلم کنفرانس برلین نشان دهنده تشتت، اعوجاج، بروزخ موجود در دیدگاه های مخالفان بی اخلاق نظام اسلامی، تزلزل در باور داشتها و رفتارهای فساد آمیز آنان بود و عمق مخالفت و معاندت آنان با میراث گرانقدر اسلامی را به نمایش گذاشت.

وی با تأکید بر این که پخش صحنه های منحط و مستهجن تاکنون خلاف رویه جماری

۱. ججه، ۱۳۷۹/۲/۲، ص ۲.

۲. بالکارات، ۱۳۷۹/۱/۳۱، ص ۲.

۳. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۱۰، ص ۱۱.

۴. ججه، ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۴.

۵. پیشین، ۱۳۷۹/۲/۳، ص ۲.

۶. انتخاب، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۲.

صدا و سیما بوده است، گفت: از یک جهت هم پخش فیلم کنفرانس برلین باید مثبت تلقی شود، چرا که جامعه ما حق دارد بداند در آن سوی تفکرات پنهان معارضان جمهوری اسلامی چه می‌گذرد و آنان چگونه افرادی هستند.

انگیزه شرکت برخی افراد در این کنفرانس را درک نکردم، اما نیک و بجا این بود که شرط خود برای شرکت در این کنفرانس را انعکاس همه‌جانبه افکارشان می‌گذشتند.

به نظر می‌رسد برخی از آنها برای تغییر افکار ایرانیان خارج از کشور و بیان حرکت نکاملی جامعه به‌این صحفه وارد شدند، منتهی به اعتقاد من نتیجه معکوس گرفتند.

این هندری بود که متوجه باشند در داخل کشور هم، رفتار سیاسی و اجتماعی آنان نتیجه معکوس نداشته باشد.

اصلاحات و اصلاح طلبی اساساً شیوه و سیره بشری و یک روند تکاملی است و مقابله با آنها ارجاعی است، اما اصلاحاتی مناسب است که مبنی بر نگرش معنوی، نکامل و اعتقاد باشد، نه اصلاحاتی که بر مادیگری افراطی مبنی است.

خطاب به کسانی که خود را اصلاح طلب می‌خوانند، گفت: جامعه بین‌راز از بر جانگی و دارا بودن مقام دن‌کینوتی در اصلاحات به عمل آگاهانه نیازمند است.

با نگاه به جملات، کلمات و اندیشه‌های تمام گروهها، انسان احساس می‌کند که به جهان خرم، مدینه فاضله و نیک شهر دست یافته است، اما وقتی به عمل و نتیجه کار آنان نزدیک می‌شویم، می‌بینیم کبیمایی سعادت در آنجا یافت نمی‌شود.

دکتر محفوظی به همه گروهها و افراد توصیه کرد؛ باید یک بار دیگر به انگیزه‌های خود برگردیم، بدینی افراطی را کنار بگذاریم و با اخلاق و نیکی و پرهیز از تعامل به قدرت و نرود، شرایط خاص جامعه برالتهاب خود را درک کنیم، باید همه برای شکوفایی تمدن اسلامی و گذار به توسعه همه‌جانبه کشور، با عنایت به فرمایشات روشنگر مقام معظم رهبری در خصوص وحدت و امنیت ملی و توجه به تحکیم مبانی ارزش‌های روحانی، حول محور قانون و با بازنگری در انگیزه‌ها حرکت کنیم.

- جبهه مشارکت ایران اسلامی در بیانیه‌ای، پخش فیلم کنفرانس برلین توسط صدا و سیما را در مجموعه تحریکات وحدت‌شکانه برای جلوگیری از تشکیل مجلس شورای اسلامی، مقابله با دولت خاتمی و رویارو قرار دادن گروهها و گراشتهای سیاسی و به زیر سوال بردن اصلاحات مورد نظر جبهه دوم خرداد ارزیابی کرد.

- حزب اسلامی کار نیز در بیانیه‌ای، ضمن نکوھش اقدام صدا و سیما و قابل پیگرد دانستن آن گفت: شرکت‌کنندگان در کنفرانس برلین نه تنها تعاینده نظام جمهوری اسلامی

نبوده‌اند، بلکه حتی نماینده همه طیفهای فکری دوم خرداد نیز به شمار نمی‌روند. با این حال این افراد بهتر است به‌این پرسش مردم پاسخ دهند که چرا پس از مشاهده آن‌که معبط سخنرانی نه تنها محیطی علمی و آکادمیک نیست، بلکه به‌یک می‌تینگ سیاسی از مبتذل‌ترین نوع تبدیل شده است. باز به حضور خود در جلسه ادامه داده و سخنانی راندند که دشمنان مردم و نظام از آنها بهره‌گیری تبلیغاتی نمایند؟

• سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی در بیانیه خود به‌خاطر پخش تصاویری زنده از کنفرانس برلین توسط صدا و سیما به‌همه دینداران در دمند تسلیت گفت و افزود: در حالی که ملت مسلمان ایران، سومین روز شهادت ابا عبد الله العسین(ع) و دومین روز شهادت سیدالساجدین علی بن الحسین را به‌سوگواری نشاند، سیماهی جمهوری اسلامی ایران ضمن پخش قطعاتی گزینش شده از نشست برلین صحة ضد اخلاقی و ذشتی را به‌نمایش گذاشت که طی آن هرزه‌ای منافق در اعتراض به حضور شرکت‌کنندگان ایرانی به‌رفض پرداخت.

• جامعه اسلامی دانشجویان هم با صدور بیانیه‌ای، کنفرانس برلین را «آخرین نماد حضور برخی افراد متظاهر به مردم‌گرایی در دامن نیروهای منافق و معاند خارج‌نشین» توصیف کرد.

این تشكل دانشجویی از «اقدامات روشنگرانه صدا و سیما» قدردانی کرد و افزود: برخی از مدعیان دروغین جریان آزاد اطلاعات و کسانی که دانستن را حق مردم می‌دانند، با پخش محتوای این کنفرانس، در یک اقدام همراهی و به دور از انصاف، اقدام صدا و سیما در آگاه‌سازی عمومی را توهین به مقدسات و مردم در ماه محرم قلمداد نموده و ندای وحدت و امنیت ملی سر می‌دهند.

• جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی در بیانیه‌ای اظهار عقیده کرد: خط برانداز نظام در داخل و خارج از پیوستگی معنادار و منسجم تبعیت می‌کنند و برخی رسانه‌ها و مطبوعات، نویسندگان و به‌ظاهر روحانی نمایان هم به عنوان عوامل داخلی آن عمل می‌کنند.

این تشكل در بیانیه مزبور که پس از پخش گوششایی از تصاویر کنفرانس برلین توسط صدا و سیما منتشر کرد، افزود: اقدام ب موقع صدا و سیما در پخش گوششایی از این کنفرانس رسوایخوبی چهره‌های مزورانه و منافقانه برخی از این عوامل را نشان داد.

حضور این افراد در کنفرانس مزبور جز تعقیر نمایندگان جنبش مدعی اصلاح طلبی ا در ایران و اهانت به مردم ایران دستاورد دیگری در بر نداشت.

همچنین در بیانیه مزبور از وزارت اطلاعات، قوه قضائیه و دادگاه ویژه روحانیت مصراوه

خواسته شده است تا با حسابت ویژه نسبت به عاملان توطئه براندازی و مقابله با انقلاب برخورد کنند و از مطبوعات نیز تقاضا شده است تا با رسیدگی سریع به جرائم، این عناصر خود فروخته که در کنفرانس برلین شرکت کرده‌اند، امتیاز بهره‌برداری از رسانه خود را به آنها ندهند.

جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی از وزارت‌خانه‌های امور خارجه، اطلاعات و ارشاد سوال کرده است که حضور در این کنفرانسهای جهانی طبق چه ضابطه‌ای صورت می‌گیرد و مسؤولیت عمل ضد اسلامی، انقلابی، ملی و حتی ضد انسانی افراد به‌عهده چه کانی است؟

### گروهها و تشکلهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی

مجمع نمایندگان ادوار مجلس تحرکات اخیر علیه جبهه دوم خرداد را محکوم کرد. (بیانیه)<sup>۱</sup> دیدگاههای گروههای مختلف سیاسی درباره مسائل پیرامون کنفرانس برلین<sup>۲</sup> اعلام موضع ۲۷ تشكل سیاسی پیرامون رویدادهای اخیر کشور<sup>۳</sup> بیانیه چند تشكل سیاسی و مذهبی؛ ملت ایران حرمت‌شکنی و اهانت آشکار به مقدسات اسلام را تحمل نمی‌کند.<sup>۴</sup>

بازتاب پخش فیلم کنفرانس برلین بین جناحها و گروههای مختلف<sup>۵</sup> جمعیت ایثارگران انقلاب اسلامی؛ کنفرانس برلین فصل تعایز نیروهای اصولی از خط پیجیده نفاق و ضد انقلاب شد.<sup>۶</sup>

اگر هدف صدا و سیما اطلاع‌رسانی است باید تمام برنامه کنفرانس برلین را پخش کند<sup>۷</sup> کانون همیگانی فرهنگیان؛ صدا و سیما تخریب تربیتی کرده است<sup>۸</sup> واکنش اساتید دانشگاه و فعالان سیاسی سخنان اخیر رئیس جمهور شفاف نبود<sup>۹</sup> گزارش آفتاب امروز از اعتراض به تعطیلی بازار تهران گروهی از بازاریان؛ تهدید شدید<sup>۱۰</sup>؛ اجتماع عظیم بانوان طلبة استان تهران در حمایت از رهبری و اعتراض به خدشه‌دار شدن عزت اسلامی<sup>۱۱</sup> نامه جمعی از هنرمندان به رئیس سازمان صدا و سیما<sup>۱۲</sup>

۱. همشهری، ۱۳۷۹/۲/۱۲، ص ۱.

۲. اطلاعات، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۴.

۳. رسالت، ۱۳۷۹/۱/۲۸، ص ۱.

۴. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱۷.

۵. مشارکت، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۱۰.

۶. آفتاب امروز، ۱۳۷۹/۲/۱، ص ۱.

۷. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۲.

۸. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۱۰، ص ۱۴.

۹. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۴، ص ۱۴.

۱۰. بیان، ۱۳۷۹/۲/۲، ص ۲.

۱۱. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۵، ص ۲.

۱۲. رسالت، ۱۳۷۹/۲/۶، ص ۱.

انجمن قلم ایران؛ اهل قلم از آلو دگی کنفرانس برلین مهرا هستند<sup>۱</sup>  
 قدردانی هیأت اسلامی هنرمندان از صدا و سیما به مخاطر پخش گزارش روشنگرانه برلین<sup>۲</sup>  
 احتمال وجود عناصر نفوذی همواره مورد حساسیت انجمن صنفی روزنامه‌نگاران بوده است<sup>۳</sup>  
 اطلاعیه شورای هماهنگی هیأتهای مذهبی درباره اظهارات شرکت کنندگان در کنفرانس  
 برلین<sup>۴</sup>

بيانیه ستاد نماز جمعه تهران در پاسخ به اظهارات جبهه مشارکت؛ مخاطب هاشمی دشمنان  
 ملت بود، شما چرا برآشتفتید؟<sup>۵</sup>

جامعه مدرسین طقره رفت<sup>۶</sup>

انجمن اسلامی ناشران و کتابفروشان کنفرانس برلین را محکوم کردند.<sup>۷</sup>  
 بسیج دانشجویی دانشگاههای تهران

جمعه دانشجویی-مردمی دفاع از ساحت مقدس حضرت امام برگزار می‌شود.<sup>۸</sup>

کنفرانس برلین با هدف ضربه زدن به حیثیت دینی ملت ایران برگزار شده بود.<sup>۹</sup>

دانشجویان بسیجی خواستار برخورد قاطع قوه قضائیه با اصلاح طلبان امریکایی شدند.<sup>۱۰</sup>  
 به دنبال لغو راهپیمایی بسیج دانشجویی از سوی وزارت کشور؛ بسیج دانشجویی بیستم  
 اردیبهشت ماه راهپیمایی می‌کند.<sup>۱۱</sup>

۱. انتخاب، ۵/۲/۱۳۷۹، ص ۱۲

۲. جام جم، ۱۳۷۹/۲/۱۳، ص ۲

۳. انتخاب، ۲۰/۱/۱۳۷۹، ص ۲

۴. انتخاب، ۵/۲/۱۳۷۹، ص ۱۲

۵. رسالت یا کیهان، ۲/۸/۱۳۷۹، ص ۱

۶. بیان، ۱۴/۲/۱۳۷۹، ص ۳

۷. کیهان، ۲۹/۱/۱۳۷۹، ص ۲

۸. انتخاب، ۷/۲/۱۳۷۹، ص ۱۴

۹. رسالت، ۶/۲/۱۳۷۹، ص ۱۰

۱۰. انتخاب، ۲۹/۱/۱۳۷۹، ص ۱۳

۱۱. جوان، ۱۴/۲/۱۳۷۹، ص ۲

## «پیوست ۵» واکنش مطبوعات

### روزنامه کیهان

اشاره: روزنامه کیهان اولین روزنامه‌ای بود که مصاحبه اکبر گنجی را جاپ کرد و واکنشهای متعددی را از طرف اکبر گنجی و سایر روزنامه‌ها و افراد دربر داشت، آنچه در بی می‌آید متن مصاحبه اکبر گنجی با روزنامه آلمانی و تحلیل مسؤولین روزنامه کیهان از برگزاری و ماهیت کنفرانس برلین است.

### متن کامل مصاحبه گستاخانه و ضد انقلابی گنجی با روزنامه آلمانی<sup>۱</sup>

اشاره: اکبر گنجی، روزنامه‌نگار ایرانی که از مدعيان اصلاح طلبی در ایران به شمار می‌رود، در حاشیه کنفرانس برلین، مصاحبه‌ای با روزنامه آلمانی ناگس اشیگل انجام داد. با توجه به اهمیت مسائل مطرح شده در این مصاحبه، متن کامل آن تقدیم خوانندگان روزنامه می‌شود.

گفتنی است این مصاحبه با تیتر «[امام] خمینی به موزه خواهد رفت» در روزنامه معروف برلین به چاپ رسیده و روزنامه ناگس اشیگل آن را با اشاره‌ای درباره اکبر گنجی به چاپ رسانده است. این مصاحبه را همراه با اشاره مذکور می‌خوانیم:

طرفدار قدیمی انقلاب اسلامی و اصلاح طلب امروزه، اکبر گنجی با اطمینان یقین دارد که از جدایی سیاست با دین در ایران راه گریزی نیست. اکبر گنجی یکی از درخشش‌ترین

روشنفکران ایران است. سال ۱۹۷۹ کم رهت برای انقلاب بست و بعضاً پاسدار رهبر انقلاب امام اخمینی (ره) بود. مخالفانش به وی اتهام می‌زند که در آن زمان حقوق انسانها را با اعمال کرده است. این آقای جامعه‌شناس و روزنامه‌نگار که برای دمکراتیک کردن ایران تلاش می‌کند، جزء رادیکال‌ترین اصلاح طلبان ایران است.

\* شما در سال ۱۹۷۹ در صف اول انقلاب بودید و گاهی پاسدار خصوصی شخص ایت‌الله خمینی (ره) بودید، امروز جزء افراد اصلی جریان دمکراتیک ایران هستید، چه موقع خط خود را از انقلاب جدا کردید و برگشتید؟

□ اهداف اصلی انقلاب ۱۹۷۹ آزادی و استقلال کشور بود. انقلابها اصولاً و اساساً قادر نیستند دمکراسی خلق کنند.

\* آیا همان اوایل برای شما این روشن بود، موقعی که شما به (امام اخمینی (ره)) پیوستید؟

□ انسان باید فکر کند که رژیم شاه آخر کارش بود، هیچ راه دیگری نبود. حتی «کارل بویر» به این نظر معتقد است که یک انقلاب موقعي باید بشود که رفورمها دیگر نتیجه‌ای ندارند و امیدی بعرفورم نیست. ما هیچ امکان دیگری نداشیم، جز آنکه رژیم شاه را به سرنگونی برسانیم. لیکن کم کم درک کردیم که راههای انقلابی ما را به اهداف دمکراتیک نمی‌رساند.

\* تمدداد کثیری از ایرانیان تبعیدی (خارج از کشور) علاقه دارند بدانند، چرا شما زودتر از این بهاین موضع نرسیده‌اید، بعد از قتل طرفداران شاه (معدوم)، قتل بهایان و چپها در ایران؟

□ این افراد ما را از راه دور محکوم می‌کنند، ما همان سالهای اول انقلاب فهمیدیم این راه به دمکراسی ختم نمی‌شود، لیکن احتیاج به زمان زیاد و طولانی و توری بود تا بتوان این اطلاعات را عملی کرد. ما با یک حرکت روش‌گرانه از داخل ایران شروع کردیم، تا این افکار را ترویج دهیم. لیکن تعداد زیادی از دوستان من محبوب و اعدام (؟) شدند. این حرکت رفورد حدود ۱۵ تا ۱۶ سال پیش شروع شد و اکنون اولین میوه‌های خود را می‌دهد.

\* بحث بر سر اتحاد یگانگی اسلام و مدرنیسم است.

□ وجود جامعه مدرن در گروه انتقاد عاقلانه است و نتیجه آن دمکراسی، بلورابایم، جامعه مدرن و حقوق انسانهاست.

\* آیا موقعی فرامی‌رسد که ایران حکومتی و سیستم مثل آلمان داشته باشد؟!

□ یک حالتی بین آغان و زاین و اختلاف و فرق آن هم فرهنگ است، دین یک قسمت از فرهنگ است، حرکت اصلاح طلبان ما عاقبت به جدایی دین از سیاست خواهد انجامید.

• شما در صد تقسیم نیروها بین اصلاح طلبان و محافظه کاران را چگونه می‌بینید.

□ با انتخاب آقای خاتمی در سه سال پیش قدرت بین اصلاح طلبان و محافظه کاران تقسیم شد و از آن موقع چندگی بین اینها آغاز شد. قوه قضائیه و مجلس ضد خاتمی بودند، و اکنون مجلس طرفدار اصلاح طلبان است. قوانین ما می‌توانند اکنون به وسیله قوه قضائیه سوء استفاده شوند. قضاط می‌توانند اکنون با وجود قوانین فعلی ضد اصلاح طلبان عمل کرده و حقوق انسانها را بایمال کنند. ما می‌خواهیم قوانین را چنان تغییر دهیم که دیگر نتوانند چنین شود. به علاوه، باید نیروهای امنیتی و نیروهای انتظامی تحت کنترل اصلاح طلبان قرار گیرند.

• اما ارتش (نیروهای مسلح) که از رهبر انقلاب (آیت‌الله) خامنه‌ای دفاع و حمایت می‌کند، جزو نیروهای قوی و اصلی (ایران) است.

□ مشکل ما آنها نیستند، نیروهای انتظامی و وزارت اطلاعات مسئله اصلی است.

• آیا نیروهای انتظامی تحت امر رهبری انقلاب نیستند؟

□ می‌توان طبق قانون آنها را از دخالت در سیاست بر حذر داشت، حتی می‌توان وزارت اطلاعات را کاملاً از اساس تغییر داد و وظایف آن را عوض کرد. مجلس می‌تواند وزیر را استیضاح کند. چیزی که ما در مجلس آینده حتماً آن را به تصویب خواهیم رساند، قانونی است که طبق آن به ۳ میلیون ایرانی مقیم خارج از کشور حق بازگشت به ایران داده شود.

• آیا این راهم به متقدین حاضر در این جلسه می‌گویید؟

□ ما آنچه را که قصد عمل داریم، می‌گوییم، ایران تحت امر دولت و حکومت جدید به تمام ایرانیها تعلق دارد.

• ولی انقلاب هم به نام مردم انجام شد؟

□ موقعيت امروز اصلاً چیز دیگری است. ما اکنون رسانه‌های خیلی قوی داریم که روشنفکران و حرکت اصلاحات را حمایت می‌کنند. ما می‌توانیم خیلی راحت یقه مخالفان خودمان را بگیریم.

• و آیا محافظه کاران نگاه خواهند کرد؟ (آرام خواهد نشد؟)

□ البته، نه، انفجارها و حملات اخیر این را نشان می‌دهد! که بر احتی قدرت و ثروت را از دست نخواهند داد. آنان گروههای فاشیستی درست خواهند کرد که با ترور و زور سعی کنند تاریخ و حرکت تاریخ را نگه دارند. فاشیسم یک عکس العمل در مقابل مدرنیسم است.

• یعنی خونریزی ادامه خواهد داشت؟

□ اکنون زمان و زمانه خونریزی به پایان رسیده است. ما فاشیستهای را خواهیم داشت، لیکن آنان نمی‌توانند کار کلانی انجام دهند؛ زیرا ملت ایران پشت سر آنان نیست. رهبران فکری در ایران مشترکاً به اصلاحات اعتقاد دارند.

• شما دانم می‌گویید «ما»، این ما کیست؟

□ همه ایرانیها [با خنده] من فکر می‌کنم برای اکثر ایرانیان صحبت می‌کنم. اصلاح طلبان از حمایت ۸۰ درصد ملت پرخوردارند و محافظه‌کاران تقریباً ۲۰ درصد. شاید یک درصد از آنها (محافظه‌کاران) طرفدار خشونت و زور باشند.

• آیا تمام اصلاح طلبان خواهان جدایی دین از سیاست هستند؟ (رفورمیتها و طرفداران آنان)

□ در یک جامعه مدرن جدایی دین از سیاست یک امر بدبختی است. وقتی شما جامعه را مدرنیزه کنید، این جدایی بالاخره پیش خواهد آمد. ایران در حال حاضر از فاز قبل از مدرن به فاز مدرن پیش می‌رود.

• خیلی به گوش خوشابند می‌آید. لیکن در قانون اساسی حکومت معممین و روحانیون نوشته شده است. آیا ایران یک قانون اساسی جدید نیاز دارد؟

□ در انگلستان یک حکومت پادشاهی است. با وجود این جامعه دمکراتیک دارند.

• رهبر انقلاب مثل یک پادشاه؟

□ (می‌خنده) حکومت (حاکمیت) رهبر انقلاب طبق قانون اساسی محدود است. مجلس خبرگان می‌تواند او را از قدرت برکنار کند. اما این ابزار تاکنون استفاده نشده است.

تاکنون رهبر انقلاب خود را برتراز قانون و بالاتر از قانون اساسی قرار داده است. اکنون ما می‌خواهیم که او به قانون اساسی عمل کند. و [آیت الله] خامنه‌ای خود نیز بهماین مسأله رضایت دارد. و ما با این قانون اساسی می‌توانیم یک سیستم دمکراتیک ایجاد کیم.

• آیا برای منکرین خدا و ملحدین در ایران آزادی وجود خواهد داشت؟

□ روند اصلاحات در ایران مرزی نخواهد داشت.

• خانمها هم می‌توانند آزادانه تصمیم بگیرند که چادر یا حجاب اسلامی پوشند یا نه؟

□ در قانون اساسی ما هیچ‌گونه اجباری راجع به پوشش نیست. این را محافظه‌کاران فقط با زور تحمیل کردند. حرکت اصلاح طلبی اول باید آزادی بیان را عملی کند و بعد آزادی قلم را بیاده کند. وقتی این دو عملی شد، اقدام به عمل ساختن رفورمها و اصلاحات دیگر خواهد کرد. این که خانمها با حجاب باشند یا نه، موضوع تعیین‌کننده‌ای نیست.

• یعنی دین و دینداری مسأله شخصی افراد خواهد شد؟

□ بهنظر من دین یک رابطه بین شخص و خدای است. دقیقاً این مشکل اسلام است که اکثر امور روزمره را تنظیم می‌کند و به همین خاطر به آسانی مورد سوء استفاده سیاسی قرار می‌گیرد. هر کس از دین تفسیری دارد. محافظه‌کاران در کمی متبدانه از دین دارند. اما من یک درک اخلاقی از دین دارم و این برداشت در میان روحانیان اصلاح طلب نیز گسترش دارد.

• صاحب‌نظران و پیشکوتوان انقلاب نظرات دیگری نسبت به انقلاب داشتند، آیا این نظرات به دور و بخته خواهد شد؟

□ وقتی یک متفکر واقعیات و احتیاجات مردم را درک نکند و عقب بیفتد، در انبارها و موزه‌ها قرار خواهد گرفت.

• آیا [امام] خمینی هم در موزه قرار خواهد گرفت؟

□ ما تلاش می‌کیم [امام] خمینی را به گونه‌ای تفسیر کنیم که مخالف با دمکراسی نباشد (امام) خمینی دیگر وجود ندارد. آنچه وجود دارد فقط برداشتهای ما از سخنان اوست. اما او به هر حال روزی در موزه خواهد رفت و هیچ‌کس نمی‌تواند جلوگیری کند. این یک نکامل تاریخی است (۱۹).

دکتر علی شریعتی نیز به سرتوشت [امام] خمینی دچار شده، که عقاید او در حرکت امروز اصلاح طلبی دیگر جایی ندارد و نقشی بازی نمی‌کند؛ اما ما دکتر را بخوبی در خاطرات خویش نگه می‌داریم.

تجدد نظر طلبان، سپاس<sup>۱۱</sup>  
حسین صفار هرندي  
گزارش نکانده رسانه‌ها از کنفرانس برلین، اگر چه بازنابنده نکات تلخ و آزاردهنده‌ای بود، اما از آنجا که واقعیات پسیاری را آشکار می‌ساخت، باید برگزاری آن را به فال نیک گرفت. در این نشست که به همت یک بنیاد وابسته به حزب سیزهای آلمان برگزار شد، جمعی از دست‌اندرکاران روزنامه‌های زنجیره‌ای و چهره‌های سیاسی وابسته به جبهه دوم خرداد نیز از ایران شرکت داشتند. از قول یکی از مخالفان نظام در مصاحبه با رادیو آمریکا گفته شده که هدف اصلی از برگزاری این کنفرانس، برقراری یوند میان عناصر تجدید نظر طلب داخلی با جریانهای ضد انقلابی خارج از کشور بوده است. اما دلیل استقبال ما از برگزاری چنین نشستی چیست و چرا آن را به فال نیک می‌گیریم؟!

در طول یکی دو سال گذشته، نیروهای وفادار به انقلاب بارها از یک نگرانی اساسی سخن گفته‌اند و آن این که آمیختن عناصر خودی و غیر خودی و آسودن محیط سیاسی انقلاب به حضور عناصر مخالف انقلاب — و حتی اصل دین — می‌تواند به استحالة تدریجی نظام و به تبع آن به نوعی کودتاً آرام عليه جمهوری اسلامی منجر شود. این دغدغه خاطر که مبنی بر وجود شواهد و قرائن متعددی از توطئه چینی دشمنان در این زمینه است، معمولاً توسط

اشخاص و رسانه‌های وابسته به جبهه دوم خرداد، به بدبینی، عدم تحمل و برداشتهای جا هلانه از اصلاح طلبی تعبیر و تفسیر شده است، تا آنجا که حتی برخی از عناصر اصولگرا و متدین در طبف گسترده اصلاح طلبان را به واکنشهای تند و خشم‌آمود علیه نیروهای دغدغه‌دار کناره نهاده است. کنفرانس برلین را می‌توان آئینه تمام‌نمای «اصلاح طلبی تعریف‌شده» و کلکسیون خواسته‌های متعدد در جبهه گسترده اصلاح طلبان دانست. نگاهی گذرا به ترکیب حاضران در این نشست، حقایق بسیاری را آشکار خواهد کرد.

تعدادی از آنها طیفی از ضد انقلابیون ایرانی خارج از کشور با دیدگاههای سوسالیستی، سلطنت‌طلبانه، طرفدار جمهوریت غیر دینی و هوادار سازمان منافقین بودند و در کنار آنها مردان و زنانی فرار داشتند که مشکل اصلی شان قوانین دینی در ایران است. تا آنجا که یکی از این زنان با وقارت هرچه تمامتر، در برابر جمع عربیان شده و با افکنندن روسی بر سرش، به این شکل اعتراض خود را به حکم اسلامی حجاب، نمایش داده است! تعداد دیگری از حاضران، وابستگان به جریان روشنفکری لاتیک و سکولار و از پس‌مانده‌های کانون منحله نویندگان، سیاسیون ملی‌گرا، رابطان و مشاوران دانشی رادیوهای بیگانه و برخی از دست‌اندرکاران روزنامه‌های تازه‌تأسیس بودند که از داخل و خارج کشور به کنفرانس عزیمت کرده بودند. به این مجموعه باید شماری از سیاستمداران آلمانی را افزود که به حزب سبزهای آلمان تعلق دارند و بنیاد منتب به آنان (برگزارکننده کنفرانس) پیش از این، به ارتباط تشکیلاتی میان خود و برخی از آشوبگران تیرماه گذشته اعتراف کرده است! واژه‌ای که بیش از هر چیز دیگر در این نشست چندروزه بر زبان سخنرانان جاری شد، «اصلاح طلبی» بود و در این میان هر کسی از منظر خود به موضوع پرداخت؛ اما وجه غالب در گفته حاضران، تخطئة حکومت و قوانین دینی و محاکمه گذشته انقلاب بوده است.

جالب‌ترین نکته قابل اشاره در این کنفرانس، تأکید تعدادی از سخنرانان بر تسویه حساب در درون جبهه دوم خرداد و حف اصلاح طلبان است. یکی از این اشخاص که استاد دانشگاه و عضو کانون نویندگان به شعار می‌رود، در اظهاراتی صریح خواستار صفتندی جدیدی در جبهه دوم خرداد شده و خواهان جداسازی صفت روشنفکران سکولار از اصلاح طلبان دینی شده است. او با اظهار ناخنودی، تعریف آقای خاتمی از جامعه مدنی را کنترل شده دانسته و اظهار داشته این جامعه مدنی از بالا هدایت می‌شود و در همین زمینه مدیر مسؤول یک نشریه محفلی وابسته به تجدید نظر طلبان داخل کشور نیز از وجود اصلاح طلبانی در درون جبهه دوم خرداد که واقعاً به اصلاحات؟! اعتقاد ندارند، ابراز نگرانی کرده است.

اکنون می‌توان بر اساس موارد فوق به ترتیب زیر دست یافت:

۱. وجود طیف نامتعانی از عقیده، نگاه و سلیقه سیاسی اخلاقی و اعتقادی در جبهه اصلاح طلبان غیر قابل انکار است.
۲. در میان اصلاح طلبان عده‌ای با اعتقاد به ضرورت پاکسازی جبهه دوم خرداد از اصلاح طلبان دینی، در حدد انجام کودتا علیه آنها هستند.
۳. شعارهای برخی از اصلاح طلبان داخلی در تخطیه گذشته انقلاب و محکوم کردن بیست سال گذشته توسط آنان، برای جریان تجدید نظر طلب و ضد انقلاب خارجی کافی به نظر نمی‌رسد، از این‌رو برای آنکه اصلاح طلبان دینی و بالتبه اصولگرا در جبهه دوم خرداد، مشمول پاکازی! مدعیان اصلی اصلاحات قرار نگیرند، باید بهای پیشتری بپردازند و احتمالاً اعتراف آنها به حقانیت سکولاریسم و حکومت غیر دینی — اگر نگوییم تخطیه اصل اسلام و انقلاب — می‌تواند بهای بذبرفته شدن در آن درگاه باشد!

به‌این ترتیب حالا دیگر نوآموختگان مکتب سیاست هم باید فهمیده باشند که جبهه اصلاحات، همچون طنابی است که یک سر آن را براندازان و ضد انقلابیون به دست گرفته‌اند و سر دیگر آن در دست برخی از دینداران اصلاح طلب قرار دارد؛ اگرچه رقابت میان دو سر طناب آغاز شده، اما زورآزمایی نهایی زمانی صورت خواهد گرفت که خیال تجدید نظر طلبان از جدایی قطعی میان اصلاح طلبان دینی و جریان اصولگرایی آسوده شده باشد. آن روز که اصلاح طلبان دینی همچون مجمع روحانیون، مجاهدین انقلاب و گروههایی از این قبیل، خدای ناکرده تمامی پلهای پشت سر را در حد فاصل میان خود و نیروهای دلوز حزب‌الله و وفادار به انقلاب خراب کنند، زمان پاکازی آنان توسط ضد انقلابیون خانگی فراخواهد رسید.

ما باید از تجدید نظر طلبان سیاسگزار باشیم که با صداقت! هرچه تمامتر، از افقهای دوردست و آرزوهای بزرگ آینده‌شان سخن می‌گوییم. آنها تکلیف همه را روشن کرده‌اند!

حسین صفار هرنده

دعوای برلین، فقط یک طرف داشت<sup>۱</sup>

صحنه‌های تکان‌دهنده کنفرانس برلین را باید بار دیگر دید و گفته‌ها را بارها باید شنید تا معلوم شود علی‌رغم تقسیم ظاهری جله به دو گروه مخالف و موافق، آنها اختلاف جندانی با یکدیگر نداشتند. چرا؟ خواهیم گفت.

۱. مخالفان کنفرانس، به گفته شاهدان صحنه مرکب بودند از: جماعتی از ناسیونالیستها و سلطنت طلبان، تعداد اندکی از وابستگان به سازمان منافقین، هواداران گروهک حزب کمونیست کارگری و...

همچنین موافقان خارج نشین جله که رسماً هم به حمایت از برگزاری این کنفرانس در دفاع از حضور برخی از اصلاح طلبان داخلی در کنفرانس بیانیه مشترک صادر کردند. عبارت بودند از: سازمان چریکهای فدایی خلق - شاخه اکثریت - حزب دمکراتیک مردم ایران، فراکسیون متحده (جبهه ملی)، جمهوریخواهان ملی ایران و سازمان سوپالیستهای ایران.

یک مقایسه اجمالی در سوابق دو گروه مخالف و موافق کنفرانس روشن می‌کند که این دو دارای مشترکات بسیاری در نحوه برخورد با جمهوری اسلامی طی دو دهه گذشته بوده‌اند. فی المثل گروهک چریکهای فدایی را با دار و دسته جنایتکار و منافق رجوی مقایسه کنید. هر دو از مخالفان سرشخت نظام و امام بودند که با توصل به شیوه مبارزه مسلحانه، مردم کوچه و بازار و خدمتگزاران واقعی مردم نظری شهیدان بهشتی، رجائی و صدها تن دیگر را به محاک و خون کشیدند.

و یا مثلاً حزب کمونیست کارگری (از مخالفان کنفرانس) را مقایسه کنید با حزب دمکراتیک مردم ایران (از موافقان). این دومی، بقایای همان حزب خانه توده است که در سال ۱۲۶۱ نوٹه نفوذ عناصر تشکیلاتی اش در ارتش و مقدمه چینی برای انجام کودتا کشف و سازمان حزب متلاشی شد و جماعتی از آنها که موفق به فرار از کشور شدند، بهایجاد چند تشکیلات تازه از جمله حزب دمکراتیک مردم روی آوردند. همچنان که حزب کمونیست کارگری نیز شاخه‌ای منشعب از داخل همان حزب توده با گرایشهای افراطی تر بود.

نسبت میان ناسیونالیستها و سلطنت طلبان (از مخالفان) با برخی از اعضای فراکسیون متحده یعنی همان جبهه ملی (به عنوان موافق) نیز شبیه موارد فوق است.

به هر حال چنین نیست که دو گروه مخالف و موافق خارج نشین به صورت جدی، تفاوت ماهوی با یکدیگر داشته باشند. بلکه عموماً متحдан و فرزندان فکری و تشکیلاتی یکدیگرند.

۲. وجه مشترک هر دو جریان مخالف و موافق، سرنگونی نظام دینی در ایران است. با این تفاوت که یکی به براندازی توأم با ختنوت و قهرآمیز معتقد است و دیگری به کارآیی روش براندازی در سکوت و به صورت تدریجی از طریق استحاله نظام اعتقاد بیشتری دارد. سالها قبل سازمان چریکهای فدایی به هواداران خود چنین رهنمود داده بود که در مرحله کنونی شعار معوری سازمان ما حذف ولايت فقه است. زیرا این امر به طور طبیعی به پایان

یافتن حکومت دینی و برقراری یک دولت لایک خواهد انجامید. اصلی ترین خواسته جریان ضد انقلابی افراطی نیز از ابتدای انقلاب تاکنون، سرنگونی نظام جمهوری اسلامی در ایران بوده است.

۲. اعلام همبستگی و ابراز تشویق نسبت به میهمانانی که از ایران به کنفرانس رفته بودند، از هماهنگی قابل توجهی میان جریان مدعی اصلاح طلبی در داخل با بخشی از ضد انقلاب خارج نشین حکایت می‌کند. این هماهنگی در اظهارات ضد انقلابی مدعیان داخلی اصلاح طلبی بخوبی مشهود بود، توافق دو طرف بر این که ۲۰ سال گذشته دوران حاکمیت اختناق، نقض حقوق بشر، میدانداری پاسداران استبداد بوده است و نیز بیان این که انقلاب فاصله از ایجاد حکومت دمکراتیک است، شاهد این مدعای است که به گمان تجدید نظر طلبان، تنها در صورت تکرار شعارهای ضد انقلابیون و اظهار ندامت کامل از گذشته خود، توسط آنان پذیرفته می‌شوند.

براستی چه تفاوتی میان شعارها و گفته‌های افراد حقیری همچون اکبر گنجی و روحانی‌نمای حاضر در کنفرانس برلین با عناصر گروهکی افراطی و معتدل خارج نشین وجود دارد؟

کافی است به برخی از تریبونهای اصلاح طلبان و روزنامه‌های زنجیره‌ای که بازتاب دهنده افکار این مدعیان طی یکی دو سال گذشته بوده‌اند، مراجعه شود. می‌توان گفت همه دیدگاهها، ادعاهای و مطالبات ضد انقلابیون به‌نوعی در آنها مطرح و گنجانده شده است. از پیشنهاد صریح جنگ مسلحه داخلی برای تقویت جنبش اصلاحات ارجوع شود به‌نشریه‌ای به‌نام [دانشجویان] تا دیدگاههای کانی که اقدامات آشوبگران و تخریب‌کنندگان اموال عمومی در تیرماه گذشته را به عنوان عکس العمل طبیعی نیروهای اصلاح طلب معرفی می‌کردند [رجوع شود به روزنامه‌های زنجیره‌ای در همان زمان]. حتی اقدام نمادین آن زن و مرد وقیع در عربان شدن پیش چشم حاضران در کنفرانس نیز با اظهارات و نوشته‌های برخی از مدعیان اصلاحات در داخل کاملاً همخوانی داشت. لابد فراموش نکرده‌ایم که نزدیک به یک سال قبل یکی از رفای آقای سعابی که پدرش از بتیانگذاران نهضت آزادی بوده است، در اظهارات شگفت‌آوری از آزادی به صورت مطلق و با تأکید بر درخواست آزادی بی‌بند و بار حمایت کرد. و چندی پیش نیز در یکی از روزنامه‌های محفلی مقاله‌ای درج شد که در آن نویسنده صریحاً گفته بود مقصود ما از آزادی مطبوعات، آزادی بدون قید و شرط با همه خصوصیات آن، حتی وفاحت‌نگاریهای جنسی است! بنابراین اقدام کثیف هرزه‌هایی که در این کنفرانس، اوج تمناها و آرزوهای خود را به نمایش گذاشتند، بیگانه با خواسته‌های برخی از نسخه‌های

ژنریک آنها در داخل نبوده است. تفاوت این دو فقط در یک کلام است و آن کلام را باید از زبان کسانی همچون عزت‌الله سحابی، مهرانگیز کار و اکبر گنجی و اشکوری نشید، آنها که خود را به عنوان مبارزان جسوری که به جای عزیمت به خارج، در کشور مانده و علیه استبداد و ارتیاع و خشونت در ۲۱ سال گذشته چنگیده‌اند، معرفی کردند. شاید اگر ضد انقلابیون افراطی کسی دندان روی چکر می‌گذاردند، برخی از اینها توضیح می‌دادند که چگونه در زمان جنگ تعییلی، مأموریت خطیر جاسوسی برای ارتضی عراق و منافقین را با مهارت هرجه تمامتر در داخل کشور به‌انجام رسانده‌اند!

حال اگر به صحته مرزبندی گروههای مختلف در نسبت با انقلاب اسلامی نگاهی دقیق‌تر بیفکنیم، خواهیم دید این صحته برخلاف ادعاهای پوج و وهم آلود عده‌ای از خیال‌بافان داخلی، میدان رویارویی چپ و راست یا محافظه‌کاران و اصلاح طلبان نیست؛ بلکه درگیری واقعی، میان وفاداران به انقلاب و ضد انقلابیون جریان دارد و متأسفانه کسانی زیر لوای اصلاح طلبی، با شکن مرزبندیهای گذشته، به‌خاکریزهای مشترک با دشمن پناه برده‌اند.

مادام که واژه اصلاح طلبی – این مفهوم عام و مشترک – از سوی نیروهای اصلاح طلب وفادار به انقلاب، تعریف نشود و مرزبندی با دیگران، مبنای اعتقدای و اصولی پیدا نکند، صحته پارگیریها چنان آشفته خواهد شد که مثلاً خانم مهرانگیز کار و آقای یوسفی اشکوری – که در کنفرانس برلین دشمنی با امام و عدم اعتقاد به جمهوری اسلامی را به‌نمایش گذاشتند – متعدد سیاسی کسانی همچون آقایان کروبی و محنت‌سی و انصاری و بهزاد نبوی معرفی می‌شوند. از طرف اینها موضع می‌گیرند، بیانیه صادر می‌کنند، با دیگران درگیر می‌شوند و این حضرات سابقه‌دار در اسلام و انقلاب را – که عمری را با اظهار ارادت به امام و اعلام وفاداری به آرمانهای آن عزیز بگانه سپری کرده‌اند – به‌جنگ سپاه، سپیح و دیگر نهادهای انقلابی ترغیب می‌کنند.

حقیقتاً اگر این اختلاط نامیعون میان خودی و غیر خودی بیش نیامده بود، آیا دلیلی وجود داشت که مثلاً افشاگریهای کیهان درباره نیمة بنهان عناصر ضد انقلاب، واکنش خشم آلود برخی از یاران سابق انقلاب را برانگیزد؟

آخر فردی مثل اکبر گنجی چگونه شایسته حمایتها بیوی است که به جدایی و دوری امثال روحانیون مبارز و مجاهدین انقلاب از نیروهای حزب‌الله متمهد و انقلابی می‌انجامد؟ راستی چرا در طول سالهای اخیر، بیانیه‌ها و اطلاعیه‌های این عزیزان فقط در ملامت و تقبیح برخورد اصولگرایان با غریبه‌ها و نفوذیهای ناصالح در بدنه جبهه دوم خرداد صادر شده است؟